

بنابراین، نخستین خبرها این بود که محل حضور سران قوا هدف قرار گرفته و در نهایت مشخص شد که هدف اسرائیل، جلسه فوق العاده شورایعالی امنیت ملی بوده است. اعضای این شورا عبارتند از: رئیس‌جمهور (رئیس‌شورا)، رئیس مجلس، رئیس قوه قضائیه، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح (دومین مقام ارشد نظامی پس از فرمانده کل قوا)، وزرای اطلاعات، کشور و خارجه، رئیس سازمان برنامه‌وبودجه کشور، فرمانده کل ارتش، فرمانده کل سپاه ودونماینده منصوب رهبری که یکی از آن‌ها دبیر شورااست. به‌طور دقیق نمی‌دانیم در این جلسه کدام‌یک از اعضای شورا حضور داشتند. آنچه می‌شنویم این است که اسرائیل قصد داشت در این حمله سران قوا را بزند. یعنی اژه‌ای، قالیباف و پرشکیان در جلسه‌بودند. نکته‌ای که موردتأیید قرار گرفته است. اگر اسرائیل در جریان حمله خود در این عملیات به هدف خود می‌رسید، علاوه بر دستاورد تبلیغاتی که برای تل‌آویوداشت، کشور دچار مشکل می‌شد. اگر سه هدف راهبردی اسرائیل که از سوی محمدباقر قالیباف در آخرین مصاحبه‌اوپر شد واولین آن‌ها تغییر نظام سیاسی حاکم‌بود را در نظر بگیریم، قطعات تل‌آویو از این حمله، به‌دنیال این هدف بود. با توجه به اینکه گفته شد این حمله دقیقی قبل از حمله به صداسیما صورت گرفت، توجه‌ها به حمله هوایی سنگین اسرائیل به منطقه‌ای در غرب تهران جلب‌شد که همان زمان رخ داد. امادر چنین شرایطی، تحلیل با اظهارنظر صحیحی درباره کلیت عملیات اسرائیل علیه ایران و این حمله به صورت خاص ارائه نمی‌شود. خطوط تحلیلی به سمت وسویی دیگر رفته‌اند که فاصله زیادی با وقایع میدانی ومشاهدات جامعه دارند.

▼ اظهارات نسجیده

فرقی نمی‌کند مصطفی کواکبیان اصلاح‌طلب روی آنتن زنده تلویزیون ادعای همبستری کاترین شکدم با چندین نفر را مطرح کند یا عبدالله گنجی اصولگرا از پیدا شدن طلسم‌های یهودی در خیابان‌های تهران بنویسد؛ رئیس سازمان پدافند غیرعامل از استفاده اسرائیل از واتساب برای ترور بگوید، سخنگوی فراچا در توضیح دستگیری دو تبعه غیرمجاز ارسال لوکیشن صداسیما را یکی از اتهامات آن‌ها اعلام کند. یک روز اطلاعیه هدف گرفتن هواپیمای اف-۳۵ در بخش خبری خوانده می‌شود؛ چند روز بعد از آتش‌پس در همان تلویزیون، کارشناس می‌گوید اخباری مثل ساقط کردن اف-۳۵ را از به نقل از ما گفتند که بگویند بقیه اخبارشان هم به همین شکل است. در آخرین مورد جاسوسی اسرائیل با استفاده از بازی‌های کامپیوتری و موبایلی مورد توجه فرا گرفت که می‌تواند درست باشد اما توضیحی برای ضربه‌های سنگین امنیتی نیست. این موارد در حالتی خوشبینانه، ساده‌سازی مفهومی مهم مانند نفوذ، عملیاتی روانی وامانند آن است که سوالات زیادی ایجاد می‌کند. روایت شکست‌ها و توقیف‌ها در این جنگ ۱۲ روزه که امروز یک ماه از شروع آن می‌گذرد، مغشوش است. چرا این دست اظهارنظرها ساده‌سازی است؟ به این دلیل که با ارائه شبهه‌داده‌هایی سطحی، عمق کار حریف را کتمان می‌کند، برخلاف آنچه جامعه از اخبار داخلی و نه حتی منابع خارجی دیده است. دلیل بعدی نیز این است که صحبت‌های مذکور با اظهارات مقاماتی رسمی مانند رئیس سازمان پدافند غیرعامل وسخنگوی پلیس است یا از سوی افراد منتسب به ساختار سیاسی مانند گنجی و البته بدون هیچ پشتوانه‌ای به عنوان تحلیل روی آنتن از سوی یک فعال اصلاح‌طلب مطرح می‌شوند. نمی‌توان همه آن‌ها پرداخت. این اظهارات برای چند روز واکنش برانگیز و سپس فراموش می‌شوند.

سید علی حسینی کارشناس ارشد اطلاعات و امنیت:

موساد از مشکلات داخلی کشور استفاده کرد

سیدعلی حسینی، کارشناس ارشد اطلاعات و امنیت، در تحلیل حمله ۲۶ خرداد و دو گزارش درباره برخی جزئیات عملیات اسرائیل، به خبرنگار هم‌میهن گفت: «واضح است که رژیم صهیونیستی و سرویس موساد از یک عامل در این عملیات استفاده نکردند اما قطعا از عامل انسانی استفاده کردند. همه سرویس‌ها با تمام پیشرفت‌های تکنولوژیک، هنوز می‌گویند عامل انسانی هیچ جایگزینی ندارد. اما به غیر از عامل انسانی، آن‌ها از ابزارهای فناورانه به‌خصوص تکنولوژی دیجیتال هم استفاده کردند و این اقدامات را انجام دادند اما من معتقدم اینکه آن‌ها از چه ابزاری استفاده کردند، اهمیتی ندارد. مهم این است که چرا وقتی ما این ضربه‌های اطلاعاتی را خوردیم که به نظر من از ضربات نظامی و سخت حادتر بوده، هیچ کس پاسخگو نیست. این حاصل کار یک روز ودوروز رژیم صهیونیستی نیست. از ابتدای انقلاب آن‌ها روی ایران کار کردند و تلاش داشتند که در لایه‌های مختلف از ابدارچی تا بالاترین مقامات را جلب همکاری کنند. بعد از ضربه‌ای که در جنگ ۳۳ روزه خوردندو حقارتی که تحمل کردند، همه امکانات‌شان را به کار گرفتند و به‌ای‌ها هر شعاری که ایجاد داده شد، عزم خود را جزم کردند که در ساعت صفر به ما ضربه بزنند.»

او درباره برخی تحلیل‌های سطحی در خصوص روش‌های جاسوسی اسرائیل در جریان جنگ ۱۲ روزه گفت: «از دو حالت خارج نیست. یا این صحبت‌ها را باور دارند که در این صورت، سطح سواد امنیتی خود را نشان می‌دهند. اگر باور ندارند، متأسفانه ناشی از این است که تصور می‌کنند مردم این صحبت‌ها را باور می‌کنند. در حالی که مردم صحبت‌ها را می‌سنجند و متوجه می‌شوند که برخی از آن‌ها درست نیست. شاید هم این تحلیل‌ها برای سلسله مراتب اداری طرح می‌شود که این هم تادرست است. هر کسی این وضعیت را ببیند- از مردم عادی تا افرادی که در این حوزه کار یا تحقیقاتی کرده‌اند- متوجه می‌شود که اوضاع درست نیست. متأسفانه این مسئله وجود دارد و اصلاح نشده است. زمانی که در جریان رسیدگی به پرونده ترور دانشمندان هسته‌ای یک تیم عملیات موساد دستگیر و بعد مشخص شد اشتباه است و تیم بعدی در وزارت اطلاعات از آن افراد دلجویی کرد، هیچ کس سراغ افرادی که این اقدام را انجام دادند نرفت و نپرسیدند که چرا به مسئولین کشور و مردم دروغ گفتید. چرا به رده‌های بالاتر خود دروغ گفتید. موضوع زمانی برای عموم مردم مشخص شد که یکی از آن‌ها به نام مازیار ابراهیمی از ایران رفت و با شبکه‌های فارسی‌زبان مصاحبه کرد. وقتی چنین اقدامات نادرستی روشن می‌شود، کسی را مؤاخذه نمی‌کنند. انگار همه ما راضی شدیم که به هم دروغ بگوییم و به روی خودمان نیاوریم. ریشه اصلی این است. گاهی چنین مسئله‌ای، در حوزه امنیتی مثل

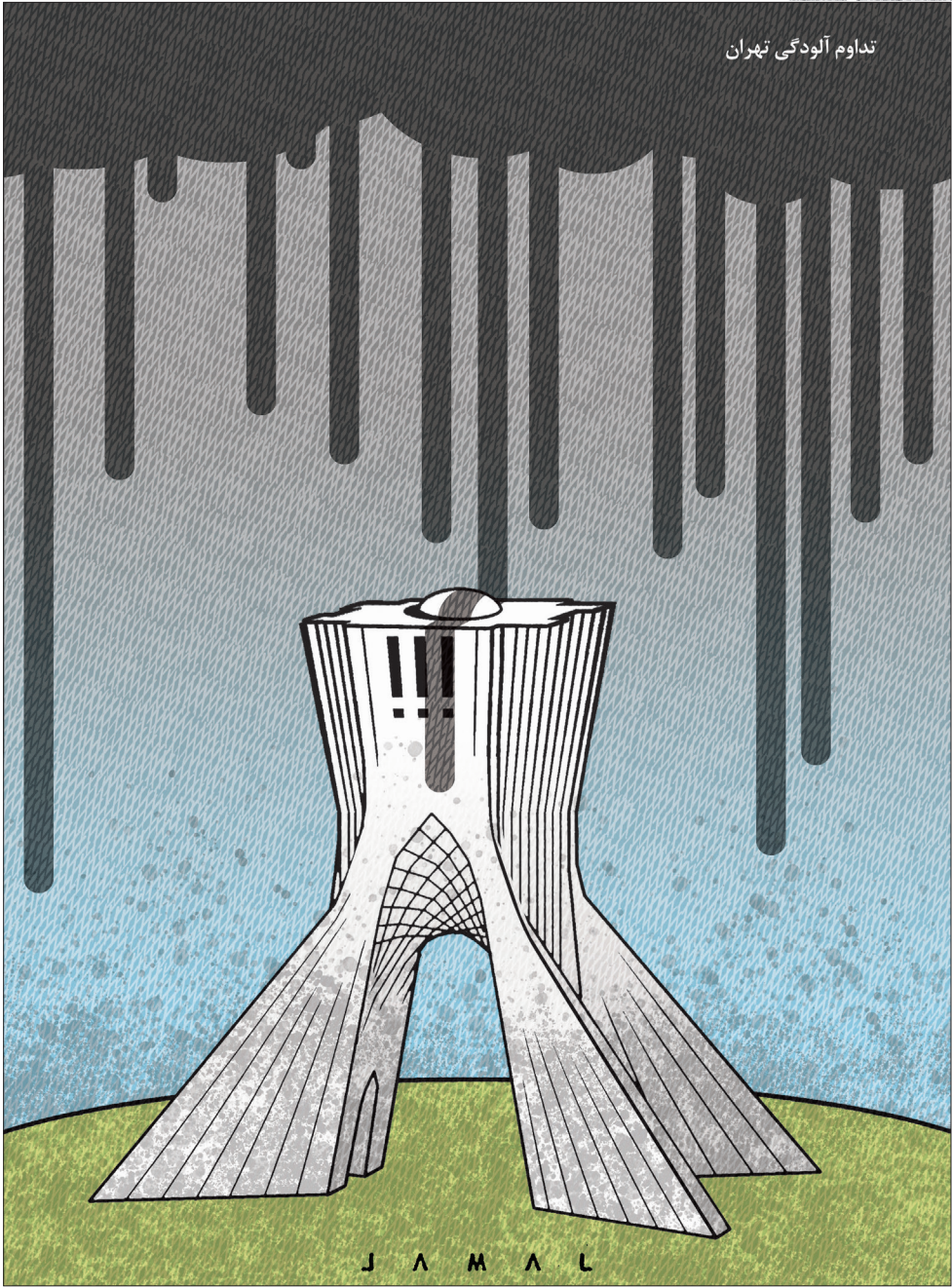
شاید در مواردی مانند مورد ادعای کواکبیان پرونده‌ای برای شخص مذکور باز شود و تمام. اما زنجیره این اظهارات بی‌پشتوانه که داده‌ای برای تحلیل یا اثبات آن‌ها وجود ندارد، هیچ وقت قطع نمی‌شود. مردود دانستن آن‌ها هم با روایت و واکنش رسمی است و در مواردی مانند موضوع ارسال لوکیشن صداسیما که از روی ابزار ساده‌ای مانند گوگل مپ هم قابل استخراج است، قابلیت پرداخت و به چالش کشیدن ندارد. اما جامعه می‌بیند و وقایع، اظهارنظرها و تحلیل‌های رسانه‌های حاکمیتی را با هم مقایسه می‌کند که ببیند آیا تناسب دارد یا نه. البته در این حوزه، همه اظهارات مبتنی بر تحلیل نیست. گاهی فردی در جایگاهی کاری می‌کند که نسنجیده است و هزینه می‌سازد. اقداماتی که در چنین شرایطی نمی‌دانیم آن را باید به پای چهل گذاشت یا عمد. شامگاه شنبه ۲۱ تیر، تصویری از شبیه‌سازی حمله اتمی به اسرائیل، در استوری صفحه اینستاگرام مشهور راهبردی رئیس‌مجلس منتشرش و بعد از ۱۷ دقیقه حذف شد. او نیز در همان صفحه وهمچنین اکانت توییتر خود توضیحی منتشر کرد مبنی بر اینکه این اتفاق از سوی ادمنین صفحه‌اش افتاده. اما همین ۱۷ دقیقه کافی بود که تصویر این استوری از صفحه اینستاگرام مشهور راهبردی رئیس‌مجلس، به‌روزنامه اسرائیلی جرورالمپیست و اکانت‌های توییتری وابسته به اسرائیل برسد و از آن بهره‌برداری کنند. جرورالمپیست با انتشار این تصویر به تحلیلی کوتاه پرداخت و سپس این نکته را پیش کشید که ایران همکاری خود با اژانس را تعلیق و رئیس‌جمهور آن از استانداردهای دوگانه اژانس در قبال تهران انتقاد کرده است. اکانت منتسب به اسرائیل ترور آلارم هم با انتشار این متن که «یک مقام ایرانی تصویری منتشر کرد که ظاهراً حمله هسته‌ای به اسرائیل را نشان می‌دهد» خواستار حمله اتمی پیش‌دستانه شد. با استفاده از اقدامی از سوی فردی که جایگاه خاصی ندارد. در حالی که مشکلات این جنگ خیلی جدی‌تر از این اظهارنظرها هستند.

▼ چند سوال بی‌پاسخ

بر اساس این دوروایت، اسرائیل دقیقاً به نقطه درست حمله کرده اما حاضران جلسه نتوانستند از محل حمله خارج شوند. با توجه به جمیع آنچه می‌دانیم و اصول حفاظت اطلاعات، چنین جلسه‌ای در آن شرایط جنگی، باید در بالاترین سطوح طبقه‌بندی برگزار شده باشد. اسرائیل چطور از ساعت و محل برگزاری جلسه خاص شعام باخبر شد؟ احتمالاً آنجا موبایلی نبوده که بخواهد واتساب داشته باشد. همچنین احتمال این که فردی طلسم یهودی در محل گذاشته باشد، ضعیف است. اما اینکه اسرائیل ۶ نقطه خاص را هدف می‌گیرد، یعنی مختصات وجب به وجب این محل را در اختیار داشتند. آن ادعاها و تحلیل‌ها، چه تناسبی با این ضربه دارد؟ بسیاری از ما بر این نکته واقفیم که جنگی هر چند محدود رخ داد و در جنگ، ضربات متقابل است. خسارت می‌زنیم و خسارت می‌بینیم. اما برخی رخدادهای این جنگ همچنان در ابهام هستند و تناسبی با اخبار و تحلیل‌ها ندارند. از یک طرف این اظهارات عجیب را می‌بینیم و از سوی دیگر شاهد روایت‌سازی‌های عجیب به عنوان روایت پیروزی هستیم. در بهترین و خوشبینانه‌ترین حالت، با خطای تحلیلی مواجه هستیم، تکلیف نفوذ عوامل انسانی چیست؟ آیا فقط با جاسوسی از طریق ابزار فنی و الکترونیک یا به کارگیری عناصر خارج از سیستم طرف هستیم؟ یا خطرات مربوط به تابستان ۱۳۶۰ در حال تکرار است؟ چون اسرائیل در روز ۲۶ خرداد، احتمالاً به سری‌ترین جلسه تصمیم‌گیری کشور در شرایط جنگی، حمله کرد.

جمال رحمتی

تداوم آلودگی تهران



می‌خواهم شتر شوم

درباره عکسی از حمام شترها در خلیج فارس

دوباره برق رفت. دفتر به قاعده کوره آجرپزی داغ شده است. نفس از گرمگاه سینهام بیرون نمی‌آید و همان بهتر که نیاید چون اگر بیاید با گرمگاه بدتری روبه‌رو می‌شود. شما یادتان هست چه شد که تابستان اینقدر داغ و بدقلق شد؟ شما یادتان هست چطور سه نفر عقب

و دو نفر جلو سوار پیکان‌های زهوار در رفته بدون کولر می‌شدیم؟ چطور صلاة ظهر تابستان زیر ظل آفتاب پا روی آسفالت تفتیده می‌گذاشتیم و گل کوچک می‌زدیم؟ مگر تابستان نیست؟ پس چرا در هیچ پس کوچه‌ای تیر دروازه گل کوچک کاشته نمی‌شود که مشتی سرتق دنبال توپ دولایه بیفتند؟ اصلاً شما می‌دانید که واقعاً هوا گرم است یا ما کم‌طاقت شده‌ایم؟ می‌گویند آدمیزاد خودش را با هر سختی‌ای وفق می‌دهد. اصلاً از یک جایی به بعد با همه چیز موافق می‌شود که زنده بماند. من اما در این گرمای خانمان‌سوز هر لحظه حسرت زمهریری می‌کشم. بی‌طاقت شده‌ام. باید که طاقتم را زیاد کنم. شنیده‌ام که شتر آن قدر صبور و پرطاقت است که می‌تواند سه هفته بدون آب و غذا در بیابان داغ راه برود. می‌خواهم شتر شوم. از روی شکم‌سیری حرف نمی‌زنم. حتی حاضرم روی دوشم کوهان بگذارم. به جای فک، پوزه داشته باشم. مژه‌های بلند در بیاورم. سرم کوچک شود. لباس از تن بکنم و خز و چرم شتری روی پوستم بکشم. چشم‌هایی را که سال‌ها پشت ویزور گذاشته بودم دودستی در بیاورم و به جایش چشمانی بگذارم که دو یا سه جفت پلک دارد. اصلاً لب‌هایم را بدهم و از شتری به عاریت لبی بگیرم. آنوقت با طیب خاطر و با آرامشی مثال‌زدنی به جان خارهای بیابان بیفتم و لک و لوچم را غرق خون کنم تا جا دارد خار بیابان‌ها را بکاهم و سیر نشوم. باید اتقدر راه بروم و باز خسته نشود. دفتر به قاعده کوره آجرپزی داغ است. نفس از گرمگاه سینهام بیرون نمی‌آید. رد داده‌ام. باید که طاقتم را زیاد کنم. می‌خواهم شتر نشوم. می‌خواهم شتر شوم و سه هفته در بیابان راه بروم و آخرش تن به آب بزنم و خودم را غرق کنم.



عکس: ناصر پشمارانی - ایران

سمفونی خطوط